



به نام خدا

خلاصه کتاب چالش های مدیریت دولتی در ایران

آشنایی با جوهره مدیریت دولتی : (فصل اول)



آشنایی با جوهره مدیریت دولتی

مدیریت دولتی :

دو تعریف ویلسون از مدیریت دولتی: در ابتدا وی مدیریت دولتی را اجرای نظام مند قانون عمومی می دانست . در دهه ۱۹۴۰ موضع ویلسون کاملاً برعکس شد و قائل به جدائی سیاست و اداره بود. وی در این دهه سیاست و خط مشی را عناصری جدائی ناپذیر از اداره عمومی تشخیص داد. ویلسون اظهار داشت که اجرای قانون نسبت به تدوین قانون دشوارتر است و سیاست را از اداره جدا کرد و گفت که مسائل سیاسی \ مسائل اداری نیستند.

اپل بای می گوید :

مدیریت دولتی خط مشی گذاری است اما خط مشی گذاری مستقل \ انحصاری یا جدای از سایر بازیگران نیست. خط مشی گذاری در حوزه ای صورت می پذیرد که نیروهای قدرتمند در آن با هم رقابت می کنند و جامعه نیز در آن دخالت دارد (نوعی خط مشی گذاری که تابع خط مشی گذاران دیگر است). مدیریت دولتی یکی از فرایندهای سیاسی است که از آن طریق مردم حاکمیت خود را محقق می سازند.

قلمرو اداره امور عمومی (مدیریت دولتی) :

حوزه مدیریت دولتی بین چند رشته اصلی سیاست ، مدیریت، حقوق ، علوم اجتماعی ، اخلاق، دین و..... یک رشته میان رشته ای است . با توجه به وسعت آن یک تعریف منحصر از مدیریت دولتی مشکل است .

تفاوت اداره و مدیریت :

- ریشه لاتین اداره **administrare** به معنای خدمت کردن ولی مدیریت **manus** به معنای کنترل با دست است .
- اداره ، فعالیتهای مربوط به حفظ اسناد ، پردازش اطلاعات ، کار با کاغذ و به کار گیری قواعد، و رویه ها و خط مشیهایی که دیگران تعیین و تدوین کرده اند است اما مدیریت ، وظایفی که سازمان را در جهت تحقق اهدافش پیش می برد . اداره در دل مدیریت است .
- اداره بر فرایند استوار است ، زیرا مستلزم استفاده از اسناد و مدارک ، قوانین و مقررات ، و دستورالعملها و آیین نامه های متعددی است. هر اقدامی در اداره نیازمند مجوز است اما مدیریت معطوف به نتیجه است.
- لذا واژه مدیریت دولتی هر روز رواج بیشتری می یابد و استفاده از واژه اداره امور عمومی روز به روز کمتر می شود . در اداره امور عمومی وظایف سیاستمداران تدوین خطمشی ها است و مدیران وظیفه اجرای آنها برعهده دارند . اما در مدیریت دولتی یا اداره عمومی نوین بین سیاست و اداره جدایی نیست . اجرای خط مشی از پایین به بالاست ، ساختار اداری غیر متمرکز تر است . (اصول اداره امور عمومی یا مدیریت سنتی : ساختار نهادی ، اداره امور عمومی ، انگیزش کارکنان دولتی و جایگاه منفعت عامه)

مردم محوری یا حکمرانی مردم :

مردم محوری مدیریت دولتی را از بخش خصوصی جدا می کند . که از عوامل زیر نشات می گیرد :

۱- قانون اساسی : قانون اساسی هر کشور تجلی گاه خواست و اراده مردم و میثاق حکومت و ملت است . قانون اساسی محیط مدیریت دولتی را تعریف می کند البته جدا کردن قوا از یکدیگر مشکل است . بعضی از وظایف قوه مقننه توسط قوه قضائی انجام می گیرد . قانون اساسی نقشی مهم در جهت دهی مدیریت دولتی دارد . آنچه قانون اساسی حکم می کند باید در مدیریت دولتی متجلی شود.

۲- منفعت عامه : بخش خصوصی به منفعت شخصی می اندیشد اما در بخش دولتی همه چیز در راستای تحقق منفعت عامه است البته سازمانهای بخش خصوصی علاوه بر منافع شخصی باید در ارتقای منافع عامه نقش ایفا کنند .

۳- نیروی بازار: قیمت کالاها و خدمات بخش عمومی در محیط بازار تعیین نمی شود بلکه از طریق بودجه تعیین می شود. درآمدهای مدیریت دولتی در ایران اکثرا از طریق نفت و مالیات است در حالی که نیروی بازار تعیین کننده قیمت کالاها و بخش خصوصی است .
حکمرانی (مردمی):

فرامین مردم در قالب سیاستهایی به مدیریت دولتی ابلاغ و مدیریت دولتی باید دستورات مردم را اجرا کند چه بخواهد چه نخواهد . مدیریت دولتی رکن و پایه هر حکومتی است سیاستها بدون اجرا هیچ اهمیتی ندارند . سازماندهی و مدیریت انسانها و منابع برای تحقق اهداف دولت است.